

برزخ در قرآن و روایات

سید محمد تقی زاده¹

چکیده

در میان این جهان و سرای آخرت، جهان سومی به نام «برزخ» وجود دارد که ارواح همه انسانها پس از مرگ تا روز قیامت در آن قرار می‌گیرند. «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المؤمنون، 100)، یعنی: و پشت سر آنها (پس از مرگ) برزخی است تا روز قیامت.

کلمه برزخ دوبار در قرآن کریم آمده است: یکی در سوره المؤمنون، آیه 100 و دیگری در سوره الرحمن، آیه 20 و کلمه برزخاً یک بار، آن هم در آیه 53 سوره الفرقان: «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخاً وَ حِجْرًا مَحْجُوراً».

در روایات اسلامی نیز از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «القبرُ روضةٌ من رياض الجنة او حفرةٌ من حفرة النار»، یعنی: قبر یا باغی است از باغ‌های بهشت، یا حفره‌ای از حفره‌های دوزخ.

کلید واژه‌ها: عالم برزخ، عالم قبر، عالم مثال، بدن برزخی، بدن مثالی.

1- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

Taghizadeh38@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1388/2/2 - تاریخ پذیرش: 1388/9/29

طرح مسأله

برزخ از آن جا برای آدمی با اهمیت شد که دید مرگ، او را از زندگی جدا می‌سازد و هستی او را به نابودی می‌کشاند. از این رو در جست و جوی مفهوم مرگ برآمد و در آن اندیشه و تأمل کرد تا به شناختی دربارهٔ مرگ دست یابد. اما تلاش‌های او تاکنون نتیجه‌ای در بر نداشته و حتی نتوانسته است مرگ را برای زمانی اندک از خود دور سازد و به دیرپایی او بیفزاید.

هر چند تأملات او بیهوده نبوده است ولی چنگی هم به دل نمی‌زد؛ زیرا ابزارهای انسان در این حوزه بسیار محدود و معدود است. از این رو متافیزیک و دانش و فلسفه‌های ماورای طبیعی رونق‌یافت تا چرایی زندگی و مرگ را تفسیر کند، ولی مشکل آن است که فلسفه عقلانی و این دین انسانی، ناتوان از شناخت مرگ چنان که باید و شاید است. در این میانه است که دین‌های آسمانی با دلایلی و رای فلسفه عقلی نمایان می‌شوند و عقل دینی کمک می‌کند تا عقل انسانی خود را بشناسد و با شناساندن توان و ظرفیت خود، تفسیری جدید از زندگی و مرگ ارایه دهد. از این روست که پای خداوند به عنوان آفریدگار، پروردگار و نیز بازخواستگر به زندگی بشر باز می‌شود.

سؤال‌ها از اینجا آغاز می‌شود که آدمی پس از مرگ به کجا می‌رود؟ اگر چیزی به نام روح در وجود انسان است که با مرگ نمی‌میرد و باقی و برقرار است، و تنها این جسم‌ها از هم می‌پاشد و نیست می‌شود، پس آن روح و جان که همچنان با انسجام و وحدت باقی است، در کجاست؟

دین پاسخ می‌دهد که انسان پس از مرگ، دوباره در روز رستاخیز به زندگی باز می‌گردد و این مدت که به نظر بس دراز و بلند و دیرپای است، مدتی نیست که بتوان نادیده گرفت.

الهامات فطری به ما می‌گویند مرگ پایان زندگی نیست. این الهامات منحصر به ما نمی‌باشد بلکه تمام اقوام، حتی انسان‌های نخستین که قبل از تاریخ می‌زیسته‌اند، به گواهی مدارک موجود، به طرز جالبی به آن ایمان داشته‌اند. اکنون این سؤال مطرح

برزخ در قرآن و روایات ----- ۱۵۳

می‌شود که تا بازگشت دوباره انسان به زندگی دیگر که در روز رستاخیز است، انسان و آن روح جدا شده از تن به کجا می‌رود و چه می‌کند؟

این جاست که دوباره دین به ارایه تحلیل شناختی دیگری می‌پردازد و بیان می‌دارد که انسان در این مدت و در طول این فاصله زمانی، در عالمی میان دنیا و آخرت به نام عالم برزخ است.

حال این سؤال ایجاد می‌شود که عالم برزخ چیست؟ در این نوشتار تلاش می‌شود تا عالم برزخ بر پایه تفسیر وحیانی و آیات قرآنی باز شناسایی و معرفی شود. از این رو مسئله برزخ، نه مسئله فردای ما بلکه همانند معاد و رستاخیز، مسئله امروز ماست؛ زیرا نقش مهم و تأثیرگذاری، نه تنها در شناخت ما نسبت به خود و هستی، بلکه در رفتار و کردار ما دارد. (پوریا، 2)

چیستی و هستی برزخ

«برزخ» در لغت به معنای چیزی است که در میان دو شیء حائل شود، سپس این معنا توسعه یافته و به هر امری که در میان دو چیز یا دو مرحله قرار گیرد، اطلاق شده است. قرآن درباره دریای آب شیرین و شور که در کنار هم قرار دارند می‌فرماید: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ»، یعنی: در میان آن دو، برزخی است که مانع از غلبه یکی بر دیگری است. اما در این جا منظور از «برزخ» جهانی است که میان دنیا و عالم آخرت قرار دارد؛ یعنی هنگامی که روح از بدن جدا می‌شود، پیش از آن که بار دیگر در قیامت به بدن اصلی بازگردد، در عالمی که میان این دو عالم است و برزخ نامیده می‌شود قرار خواهد داشت. بعضی از روایات، از حوادث و احوال عالم برزخ و سرنوشت آدمی خبر می‌دهند. مثلاً در روایات بسیاری، سخن از شادی ارواح مؤمنان به وسیله اعمال نیک بازماندگان به میان می‌آید، از جمله در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «إِنَّ أَلْمِيَّتَ لَيَفْرَحُ بِالتَّرْحَمِ عَلَيْهِ وَ الْأَسْتِغْفَارِ لَهُ كَمَا يَفْرَحُ الْحَيُّ بِالْهَدْيَةِ»، یعنی: میت، با طلب رحمت و استغفار برای او خوشحال می‌شود، همان گونه که افراد زنده با هدایا خوشحال

154-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388

می‌شوند. همچنین در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می‌خوانیم که فرمود: آنها (ارواح مؤمنان) در حجره‌هایی از بهشت، از طعام و شراب آن متنعم می‌شوند و می‌گویند: پروردگارا! قیامت را برای ما برپا کن، و به وعده‌هایی که به ما داده ای وفا نما. روشن

است که منظور از بهشت در این روایت، بهشت برزخی است. (هاشمی، 79-81)

برزخ به معنای لغوی آن، یعنی حاجز و جداکننده دو چیز از یکدیگر، در قرآن و احادیث و متن‌های فلسفی و عرفانی بسیار به کار رفته است، مثلاً و سوسه به «برازخ الایمان» (حد واسط کفر و ایمان یا شک و یقین) تعبیر شده (ابن اثیر، 1/118) و یا فاصله میان مرگ و رستاخیز برزخ نام گرفته است. کاربرد اصطلاحی این واژه، خصوصاً در منابع دینی به معنای مرحله ای بین دنیا و آخرت (یا مرگ و قیامت) و در متن‌های عرفانی و فلسفی به معنای عالمی میان عقول مجرد و اجسام مادی، حایز اهمیت است. (طارمی، 3)

شاید بتوان ادعا کرد که همه لغت شناسان واژه برزخ را حائل بین دو چیز می‌دانند. جوهری می‌گوید: برزخ حائل بین دو چیز است و ما بین دنیا و آخرت، از هنگام مرگ تا بعث را نیز برزخ گویند. لذا کسی که بمیرد داخل برزخ شده است. (همو، 1/419)

بدین ترتیب باید گفت: برزخ در معنای لغوی چیزی است که میان دو چیز مختلف حائل باشد، خواه با آن دو چیز مناسبتی داشته، خواه نداشته باشد. چنان که آن را به معنای اعراف یا وضع میان بهشت و دوزخ و نیز به معنای زمانه ای که میان وقت مرگ و روز قیامت است، به کار برده‌اند. حکما و فلاسفه اسلامی با رعایت معنای لغوی این کلمه، واسطه و حد فاصل میان مادیات و مجردات صرف را برزخ یا عالم مثال خوانده‌اند. بنابر این برزخ واسطه و مرتبه ای از هستی است که میان موجودات مادی و مجردات محض قرار گرفته است. (قاسمی، 15-16)

اکنون به بیان نظرات برخی از دانشمندان اسلامی دربارهٔ واژه برزخ می‌پردازیم: راغب اصفهانی می‌نویسد: «حد و فاصله بین دو چیز را برزخ گویند و از این جهت به فاصله بین مرگ تا روز قیامت نیز برزخ گفته شده است». (همو، 41)

برزخ در قرآن و روایات ----- ۱۵۵

در مجمع البحرین چنین آمده است: «ما بین دنیا و آخرت - از هنگام مرگ تا برانگیختن اخروی - را برزخ گویند و هر کس بمیرد وارد آن می‌شود». (همانجا، 430)

شیخ طبرسی سه احتمال برای برزخ بیان داشته است:

◆ 1- واسطه و فاصله میان مرگ تا برانگیختن از قبر.

◆ 2- واسطه و حائل میان مردگان و اهل دنیا تا روز قیامت.

◆ 3- فاصله و مدت زمان قبر تا روز قیامت. (همو، 118/7)

در تفسیر قمی نیز چنین آمده است: فاصله و میانه دو چیز را برزخ گویند. و منظور از آن، ثواب و عقاب بین دنیا و آخرت است. (همانجا، 94/2)

در قرآن کریم این واژه هم به معنی لغوی و هم به معنی اصطلاحی به کار برده شده است:

◆ الف) معنی لغوی: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (الرَّحْمَنُ، 20) و همچنین آیه 53 الفرقان.

◆ ب) معنی اصطلاحی: «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المؤمنون، 100)

گرچه معنای اصطلاحی برزخ یک بار در قرآن کریم به صراحت آمده است، ولی آیات متعددی بر وجود آن دلالت دارند که برخی از آنها عبارتند از:

◆ 1- «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»

(البقره، 154)، یعنی: و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده نخوانید، بلکه

زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید.

◆ 2- «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

(آل عمران، 169)، یعنی: و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندارید، بلکه

اینان زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی دارند.

◆ 3- «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»

(غافر، 11)، یعنی: گویند پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی، ما به

گناهان اعتراف کرده ایم، پس آیا برای بیرون رفتن (از اینجا) راهی هست؟

باتوجه به اینکه پاداش و کیفر الهی در روز قیامت کبری هنوز ظهور نیافته، برخی از

آیه‌ها نشانگر پاداش اخروی برای عده ای (آل عمران، 169 و یس، 27) و برخی از

آیه‌ها چون آیه‌های زیر گویای عذاب بر بعضی می‌باشد: «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوا وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ. النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر، 45-46)، یعنی: و عذابی سخت آل فرعون را فرا گرفت (یعنی) آتش دوزخ که بامدادان و شامگاهان ایشان را بر آن عرضه دارند و روزی که قیامت برپا شود، (گویند) آل فرعون را به سهمگین‌ترین عذاب وارد کنید. افزون بر این، ادله تجرد نفس و دوگانگی جسم و نفس که به‌صراحت در آیه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْإِنْسَانَ حِينَ مَوْتِهِ أَلَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (الزمر، 42) و «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (المومنون، 14) آمده است، نشان دهنده حیاتی ماورای حیات مادی برای انسان‌هاست که همین حیات در احادیث مختلف و گفتارهای رسول گرامی اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. در هر صورت بحث اثبات حیات برزخی در گرو تحلیل ادله تجرد نفس و بررسی مراتب نفس می‌باشد که با انکار آن هیچ‌گونه راهی برای اثبات عقلی عالم برزخ و حتی اعاده اجسام در معاد نخواهد بود. (ناجی، 2)

اما با اندکی ژرف اندیشی در آیات برزخ، می‌توان آنها را به چهار دسته تقسیم نمود:

♦ الف - گفت و شنود فرشتگان با نیکان: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ...» (النحل، 32)، یعنی: فرشتگان به پرهیزگاران گویند: سلام علیکم. «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (الفجر، 27-28)، یعنی: فرشتگان به انسانهای صالح گویند: به سوی پروردگارتان بازآید.

♦ ب - گفت و شنود فرشتگان با بدان: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ. لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا» (المؤمنون، 99)، یعنی: گویند: مرا بازگردان. فرشتگان خواهند گفت: هرگز باز نخواهی گشت. «قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا...» (النساء، 97)، یعنی: گویند: ما مستضعف بودیم. فرشتگان خواهند گفت: چرا هجرت نکردید؟

برزخ در قرآن و روایات ----- ۱۵۷

♦ ج - حیات با سعادت نیکان: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (مریم، 62)، یعنی: رزق و روزی (صبح و شام) بدون رنج به آنان می‌رسد. «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، 169)، یعنی: شهدا زنده‌اند و پیش خدا روزی داده می‌شوند.

د - حیات بی سعادت بدان: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا» (غافر، 46)، یعنی: صبح و شب، آتش بر آنان عرضه می‌گردد. «مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَاراً» (نوح، 25)، یعنی: پس از غرق شدن، در آتش افکنده شدند. (اسدی، 71-72)

برزخ واژه‌ای عربی از ریشه (ب - ر - ز) است؛ گویا این واژه در اصل به معنای پاره زمینی بوده که بین دو چیز خودنمایی و بروز داشته؛ ولی بعدها این معنا توسعه یافته و بر هر امر حائل بین دو چیز، برزخ اطلاق گشته است. (مقایس اللغه، 333/1) به هر حال در صورت عربی بودن «برزخ» حرف «خ» در آن زاید بوده و بر مبالغه دلالت دارد. (التحقیق، 252/1) ولی در صورتی که آن را معرب «بَرْزَة» بدانیم، (راغب، 118) که آن نیز به معنای حاجز و حایل است، حرف مزبور جزو حروف اصلی کلمه خواهد بود.

همچنین واژه برزخ در اصطلاح علمای جغرافیا بر قطعه زمینی که بین دو نهر یا دو دریا یا شبه جزیره واقع شده اطلاق شده است، و در اصطلاح قرآن، روایات و مجموعه تعالیم اسلامی به معنای عالم پس از مرگ و حد فاصل بین دنیا و آخرت است. شاید بتوان ادعا کرد که برزخ بدین معنا نخستین بار، در تعالیم اسلامی و در قرآن استعمال گردیده است. برزخ به معنای مذکور تنها یک بار در قرآن آمده و در آن، حال انسان‌های تبهکار و مجرم، هنگام فرا رسیدن مرگ و درخواست غیر قابل قبول آنان، مبنی بر بازگشت به دنیا و پاسخ آنان به اینکه فرا روی ایشان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند، گزارش شده است: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ. لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المؤمنون، 99-100) افزون بر آیه مزبور که به صراحت از برزخ سخن به میان آورده، آیات دیگری را نیز می‌توان یافت که به نوعی بر حقایق برزخی دلالت داشته و برای اثبات عالم پس از مرگ (قبل از قیامت) قابل بهره‌برداری است، مانند آیه 46 سوره غافر.

برزخ در حقیقت ادامه وجود عالم دنیا و استمرار حیات انسان پس از مرگ تا برپایی قیامت است. (طباطبایی، 349/1) در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که روح پس از مرگ به بدنی مانند بدن دنیوی منتقل می‌شود. (کلینی، 244/3) و روایات دیگری با همین مضمون می‌توان یافت و تلاش‌هایی نیز برای تطبیق آن‌ها با بدن مثالی صورت گرفته است. به اعتقاد برخی، بر پایه روایات خاصه و عامه روح پس از مفارقت بدن، به اجسامی که در نهایت لطافت‌اند، تعلق می‌گیرد. این اجسام شبیه جسم جنّ و شبیه بدن عنصری هستند، به نحوی که اگر کسی آن را ببیند می‌گوید: این همان شخصی است که در دنیا او را می‌دیدیم. (مجلسی، 271/6)

یکی دیگر از مباحث مربوط به برزخ، عمومیت آن و مقدار مکث انسان در برزخ است. عالم برزخ مرحله‌ای قهری از مراتب وجود است و عبور از آن برای همه ضروری است؛ ولی کسانی که در دنیا در سعادت یا شقاوت کامل شده و کمالات عقلانی و فضایل یا رذایل کسب کرده‌اند، برزخشان کوتاه بوده و زودتر از افراد متوسط وارد بهشت یا جهنم اخروی می‌شوند. (خمینی، 372) از این رو براساس برخی روایات، برزخ اولیای الهی بیش از سه روز نیست که آن هم به سبب علاقه طبیعی و تعلق جبلّی آنان است. (همانجا، 175) برخی نیز از روایاتی استفاده کرده‌اند که نفوس کامله مانند پیامبر و ائمه علیهم السلام برزخ نداشته، بدون مکث در عالم برزخ، وارد آخرت می‌شوند. (خراسانی، 419/2) ولی براساس روایات دیگر، در برزخ تنها از محض ایمان و محض کفر پرسش می‌شود و انسان‌های متوسط رها می‌شوند. (کلینی، 235/3-236) در توضیح این روایات - به گونه‌ای که با آنچه گذشت منافات نداشته باشد - شاید بتوان گفت مقصود آن است که از انسان‌های کامل در ایمان یا کفر، پرسش می‌شود تا به سرعت آنان را از برزخ عبور داده، وارد آخرت کنند و انسان‌های متوسط در برزخ رها می‌شوند. برخی گفته‌اند: در عالم برزخ فقط از مسائلی که انسان باید به آنها اعتقاد و ایمان داشته باشد، سؤال می‌شود و رسیدگی به سایر مسائل، به قیامت موکول می‌گردد. همچنین از دیگر مباحث مربوط به برزخ، تکامل برزخی است. تکامل برزخی از منظر روایات امری مسلم است؛ مانند ثواب بردن شخصی که از دنیا رفته از صدقات جاریه‌ای

برزخ در قرآن و روایات ----- ۱۵۹

که پس از مرگ وی نیز برای دیگران سودمند است، نظیر ساختن مسجد و باقی گذاردن علم مفید یا سود بردن از کارهای نیکی که دیگران انجام داده و ثوابش را به او هدیه می‌کنند. (حلی، 341/1) از این رو تکامل برزخی باید به گونه‌ای تبیین شود که با مبانی عقلی نیز ناسازگاری نداشته‌باشد. (دیبا، 2)

برزخ را عالم مثال هم می‌گویند چون مثل این عالم است. البته از لحاظ شکل و صورت، ولی از لحاظ ماده و خواص فرق می‌کند. پس از مرگ در عالمی وارد می‌شویم که این دنیا نزد آن مانند شکم مادر نسبت به این عالم است. بدن هم بدن مثالی است یعنی شکل همین بدن لکن دیگر جسم و ماده نیست لطیف است. (شریفی، 22-21) امام صادق (ع) در پاسخ سؤال «برزخ چیست؟» می‌فرماید: (از لحظه مرگ تا وقتی که از قبر خارج می‌شویم.) لذا امام لفظ برزخ را در معنای ویژه و اختصاصی آن به کار می‌برند، نه در معنای لغوی آن. (مجلسی، 267/6)

در نهج البلاغه این واژه دوبار ذکر شده است:

♦ 1- «سلکوا فی بطون البرزخ سبیلاً. سلطت الارض علیهم فیه. فاکلت من لحومهم و شربت من دمائهم...» (همانجا، خطبه 212)، یعنی: در درون برزخ راهی را پیمودند که در آن راه، زمین بر آن‌ها چیره شده، گوشت‌هایشان را خورده و از خون‌هایشان آشامیده است.

♦ 2- «فکأنما قطعوا الدنیا الی الآخرة و هم فیها. فشاهدوا و ما وراء ذلک. اطلعوا غیوب اهل البرزخ فی طول الاقامة فیه...» (همانجا، خطبه 213)، یعنی: (بندگان شایسته) گویا دنیا را به پایان رسانیده فراسوی آن را می‌نگرند و امور اخروی را مشاهده می‌کنند، و گویی بر احوال پنهانی برزخیان و مدت اقامت آن سامان آگاهند. این واژه در روایات نیز بصورت متعدد به کار رفته است. از جمله:

قال الصادق (ع): «البرزخ، القبر. و هو الثواب و العقاب بین الدنیا و الآخرة»، یعنی: برزخ، عالم قبر است که عبارت از ثواب و عقاب بین دنیا و آخرت است.

قال الصادق (ع): «و الله ما اخاف علیکم الا البرزخ»، یعنی: سوگند خدای را که جز از عالم برزخ بر شما بیم ندارم.

160-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388
همچنین از آن حضرت پرسیده شد آیا روح بعد از خارج شدن از کالبدش متلاشی می‌شود یا باقی می‌ماند؟ فرمود: روح تا نفخه صور اول در برزخ باقی می‌ماند و پس از آن، همه موجودات تا نفخه صور دوم از بین می‌روند و انسان نیز در خاموشی و سکوت خواهد ماند. (اسدی، 32-33)

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که ارواح مؤمنان (در برزخ) به کنار چشمه‌ای در بهشت به نام سلمی زندگی می‌کنند. ابوبصیر گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم ارواح مؤمنین پس از مرگ در چه وضع‌اند؟ فرمود: به میان غرفه‌هایی در بهشت به سر می‌برند، از خوراک بهشت می‌خورند و از آب آن می‌نوشند و منتظر انجاز وعده پروردگار خود می‌باشند. (به‌نژاد، 129)

ویژگی‌های برزخ

1- شباهت به عالم رؤیا

در برخی آیات، حالت پس از مرگ به حالت خواب رفتن انسان‌ها تشبیه شده است: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (الزمر، 39) در روایات نیز آمده که خواب برادر مرگ است. برخی گفته‌اند: بعید نیست روح انسان به هنگام خواب به جسم مثالی بازگردد، زیرا در روایات، برزخ به حالت خواب تشبیه شده است. (مجلسی، 271/6)

2- سنخیت با دنیا

در قیامت سؤال می‌شود که به شمار سال‌ها چه مدت در زمین درنگ کردید؟ در پاسخ گفته می‌شود: روزی (یک روز) یا پاره‌ای از روز: «قُلْ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ، قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» (المؤمنون، 113 - 112) از این پرسش و پاسخ چنین برداشت شده که مکث در برزخ از نظر قرآن، مکث در زمین به شمار آمده است.

برزخ در قرآن و روایات ----- ۱۶۱

(طباطبایی، 139/1) برخی از محققان برای اثبات این مدعا به آیه «وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتْعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (الاعراف، 24) تمسک کرده و گفته‌اند: چون «حین» در روایات به روز قیامت معنا شده، می‌توان فهمید که مدت بقا در برزخ هم بقای در زمین دانسته شده است. (طباطبایی، همانجا) چنانکه «أَرْضُ» در آیه «ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ» (الرّوم، 25) به قبر تفسیر شده (طبرسی، 471/8) و برخی از جنت برزخی به جنت دنیا تعبیر کرده‌اند. در روایات نیز این مضمون مکرر آمده که برزخ همان قبر است. (کلینی، 242/3) البته باید توجه داشت که مراد از قبر یاد شده، محل دفن بدن انسان نیست، بلکه حقیقت دیگری است که متفکران اسلامی آن را به شیوه‌های گوناگون تبیین کرده‌اند، با این حال از مضامین روایات به روشنی برمی‌آید که قبر به معنای محل دفن، ارتباط مستقیم و غیر قابل انکاری با عالم قبر به معنای برزخ دارد که گونه‌هایی از این ارتباط را در همین متون می‌توان یافت؛ همچنین در برخی روایات ارتباط خاصی بین برخی از مکان‌های معین در زمین با جایگاه ارواح پس از مرگ مطرح گردیده است. در این احادیث گفته شده که روح هر مؤمن متوفا در شرق و غرب عالم به وادی السلام می‌آید و در برخی روایات دیگر (کلینی، 246/3) نیز جایگاه ارواح کافران، وادی برهوت در حضرموت دانسته شده است.

3- کوتاه بودن برزخ در قیاس با آخرت

از منظر آیات قرآن، مجموع حیات دنیوی و برزخی در نگاه کسی که از جایگاهی برتر (آخرت) به آن می‌نگرد بسیار کوتاه است: «قُلْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (المؤمنون، 114 و الرّوم، 55 و الاحقاف، 35 و یونس، 45 و النّازعات، 46) نظیر همین مضمون در آیات 103-104 سوره طه نیز آمده است. البته برخی توضیح داده‌اند که کوتاه بودن برزخ و دنیا از آن جهت است که آن‌ها متناهی هستند، برخلاف حیات اخروی که این‌گونه نیست. (طبرسی، 192/7) بعضی از مفسران آیه 55 سوره الرّوم را مربوط به برزخ دانسته‌اند. (همانجا، 486/8) و برخی آیه «وَتَظُنُّونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا»

162-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388
(الاسراء، 52) را در مورد بهشتیان دانسته و گفته‌اند: ایشان بر اثر تنعم فراوان در بهشت
برزخی، توقف در آن را کوتاه گمان می‌کنند. (طبرسی، 649/6) به هر حال از دیدگاه
قرآن مسلم است که مجموع حیات دنیا و برزخ، بخش بسیار ناچیزی از مجموعه حیات
انسان را تشکیل می‌دهد.

اما از دیگر ویژگی‌های برزخ، بروز و ظهور عقاید و اعمال و خلیقات دنیوی در آن،
سؤال قبر، فشار قبر و نیز ارتباط اهل برزخ با یکدیگر و با عالم دنیاست که روایات
فراوانی موارد یاد شده را به تفصیل بیان کرده‌اند. (دبیا، 2)

این ویژگی‌های برزخ در برخی آیات نیز آمده است: مانند (البقره، 154 و آل عمران، 169
و هود، 105-108 و مریم، 62 و الفرقان، 26) علامه طباطبائی معتقد است که طبق
روایات، برزخ نمونه و مثالی از قیامت است و نسبت آن به قیامت همچون نسبت
خواب است به بیداری. برزخ دنباله حیات دنیایی است، با این تفاوت که در آن توانایی
انجام دادن کار خوب یا ترک کار بد از دست رفته است. به عقیده او، در دوران برزخ،
پیوند ارواح با عالم ماده یک باره نمی‌گسلد و روایات راجع به اجتماع ارواح در محلی
معین از زمین و امثال آن، دال بر همین پیوند است. (طارمی، 2)
از مجموع تعبیراتی که در آیات قرآن و روایات اسلامی آمده، بهشت و دوزخ به سه
معنی مختلف اطلاق شده است: 1- بهشت دنیا، 2- بهشت برزخ و 3- بهشت برین و
جَنَّةُ الْمَأْوَى در جهان دیگر.

♦ بهشت دنیا: از نظر ظاهر، همان باغ‌های خرم و سرسبز این جهان هستند.
مثلاً در قرآن درباره قوم سبأ و آثار تمدن عظیم آنها می‌خوانیم: «در سرزمین سبأ،
برای آن جمعیت دو باغ بود که از طرف راست و چپ (سد عظیم مأرب) کشیده
شده بود (ما به آنها گفتیم): از روزی و نعمت پروردگار استفاده کنید و شکر او را
بجا آورید، شهری پاکیزه در اختیار شماست و پروردگاری آمرزنده و مهربان دارید.»

♦ بهشت و دوزخ برزخی: در خصوص ثواب و عقاب در عالم برزخ، آیات و روایات
بسیاری وجود دارد که همگی حاکی از وجود بهشت و دوزخ در عالم برزخ است که

برزخ در قرآن و روایات ----- ۱۶۳
تا بر پا شدن قیامت و رسیدگی نهائی به اعمال، نیکوکاران در آن از نعم الهی بهره‌مند و بدکاران در شکنجه و عذابند. (یس، 26 و 27 و غافر، 46) امام صادق (ع) می‌فرماید: برزخ همان قبر است و آن جایگاه پاداش و کیفر میان دنیا و آخرت می‌باشد. (عروسی حویزی، 553/3)

♦ بهشت و دوزخ رستاخیز: گاهی از آن تعبیر به جنه‌المأوی یا جنات عدن و گاهی ناراً خالداً فیها (آتش جاودانی) می‌شود. کانونی است از رحمت دردناک در عالم قیامت و جهانی به مراتب وسیعتر از این جهان.

فرق بین بهشت برزخ و بهشت آخرت چیست؟

و اما برخی تفاوت‌ها عبارتند از:

♦ 1- بهشت برزخ، موقت ولی بهشت آخرت دائمی است. «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ» (یس، 26)، یعنی: سرانجام او را شهید کردند و به او گفته شد: وارد بهشت شو! گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند. روشن است این بهشت و بهشتی که در آیه 169 سوره آل عمران، شهیدان بعد از شهادت در آن وارد می‌شوند، بهشت برزخ است و این بهشت موقت خواهد بود، زیرا از آیات و روایات استفاده می‌شود که بهشت جاویدان در قیامت، نصیب مؤمنان خواهد شد. «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ. فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ... لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى ...» (الدخان، 51-56)، یعنی: پرهیزکاران در جایگاه امن و امانی هستند. در میان باغ‌ها و چشمه‌ها ... هرگز جز همان مرگ اوّل (که در دنیا چشیده‌اند) نخواهد چشید.

♦ 2- بهشت برزخ نمونه کوچکی از بهشت آخرت است. امام علی (ع) می‌فرماید: «القبر اما روضة من رياض الجنة او حفرة من حفر النيران». یعنی: قبر، یا باغی از باغ‌های بهشت، یا حفره‌ای از حفره‌های دوزخ است.

♦ 3- نعمت‌های بهشت برزخی به بدنی از غیر بدن عنصری (بدن مادی دنیایی) تعلق می‌گیرد، بدنی که متناسب با حیات برزخی است که به اصطلاح متکلمان به آن،

164-----منهاج - سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان 1388
بدن یا قالب «مثالی» گویند. (فقط آرایش و رنگ ماده را دارد) ولی نعمت‌ها در بهشت
آخرت، شامل بدن و روح هر دو می‌شود. آیات بسیاری از جمله آیات سوره الرحمن
بر این مطلب دلالت دارد.

اما آیا انسان در عالم برزخ با نزدیکان خود ملاقات می‌کند؟ و آیا در عالم برزخ می‌داند
در دنیای دیگری زندگی می‌کرده است؟ از ظاهر برخی آیات می‌توان فهمید انسان‌ها در
عالم برزخ، خویشان و غیرخویشان خود را می‌شناسند و با آنها ملاقات می‌کند، از
جمله: خداوند متعال، در آیات 169-171 آل عمران، درباره شهیدان می‌فرماید: (هرگز
کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار. آن‌ها زنده‌اند که نزد پروردگارشان
روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند و برای
کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند، شادی می‌کنند که نه بیمی برایشان
است و نه اندوهگین می‌شوند. بر نعمت و فضل خدا و این که خداوند پاداش مؤمنان
را تباه نمی‌گرداند، شادی می‌کنند.) این آیات شریفه بر زندگی شهدا در برزخ به طور
خاص و زندگی دیگران به طور عام دلالت دارد. با اثبات این موضوع در می‌یابیم که
برزخیان همدیگر را می‌شناسند و با هم ملاقات می‌کنند و خوشبختی و بشارتی که در
این آیات اشاره شده، حاکی از شناخت و ملاقات مجاهدان با یکدیگر و مؤمنان با قوم
خویش است.

امام علی (ع) در حدیثی به اصبع بن نباته درباره مؤمنان در عالم برزخ می‌فرماید: اگر
پرده از مقابل چشم شما برداشته شود، ارواح مؤمنان را می‌بینید که در این جا حلقه
حلقه نشسته و یکدیگر را ملاقات می‌کنند و سخن می‌گویند که این جا جایگاه مؤمنان
و وادی برهوت جایگاه کافران است. حضرت علی (ع) هنگامی که با عده‌ای از
یارانشان از قبرستانی عبور می‌کردند، خطاب به اهل قبور فرمودند: من به شما از آن چه
در دنیا بعد از شما می‌گذرد خبر می‌دهم و شما نیز... از این گفتگو نیز می‌فهمیم که
برزخیان می‌دانند که چندی پیش در دنیا بوده‌اند و اکنون دستشان از همه چیز کوتاه
شده است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: هنگامی که کسی می‌میرد، ارواح
مؤمنان نزد او جمع می‌شوند و از او درباره کسانی که مرده‌اند و کسانی که هنوز زنده‌اند

برزخ در قرآن و روایات ----- ۱۶۵
می‌پرسند، اگر معلوم شود که مرده است و پیش آنها نیامده، می‌گویند او در جهنم
برزخی سقوط کرده است. از این روایت نیز معلوم می‌شود که افراد خوب و بد در
بهشت و جهنم برزخی از حال همدیگر خبر دارند و یکدیگر را ملاقات می‌کنند.
(هاشمی، 104-101)

حیات برزخی چیست؟

آیات متعددی حکایت از حیات بعد از مرگ دارد، از جمله: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ تُمْ بِلْ أَحْيَاءٍ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (البقره، 154)، یعنی: و کسانی که در راه
خدا کشته می‌شوند مرده نخوانید، آن‌ها زنده‌اند، ولی نمی‌دانید. و نیز آیه: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ
أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا
وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المومنون، 99-100)، یعنی: تا آنگاه که وقت مرگ
یکی از آن‌ها فرا رسد، گوید: پروردگارا! مرا - به دنیا - بازگردان! تا شاید به تدارک
گذشته عملی صالح به جای آورم و به او خطاب شود که هرگز نخواهد شد و این کلمه
را از حسرت می‌گوید و ثمری نمی‌بخشد که عالم برزخ به دنبال آن‌هاست تا روزی که
برانگیخته شوند.

روح انسان بعد از این جهان در اجساد لطیفی قرار می‌گیرد که از عوارض فراوان ماده
برکنار است و چون از هر نظر شبیه این جسم است، به آن «قالب مثالی» یا «بدن مثالی»
می‌گویند که نه به کلی مجرد و نه مادی محض است، بلکه دارای نوعی «تجرد برزخی»
است. بعضی از محققان آن را به وضع روح در حالت خواب تشبیه کرده‌اند که در آن
حال ممکن است با مشاهده نعمت‌هایی، به راستی لذت ببرد و بر اثر دیدن مناظر
هولناک معذب و متألم شود، آن چنانکه گاه واکنش آن در همین بدن نیز ظاهر می‌شود
و به هنگام دیدن خواب‌های هولناک، فریاد می‌کشد و... تعلق روح به بدن مثالی در
«جهان برزخ» تا قیامت ادامه داشته و به هنگام قیامت، دوباره به بدن‌های نخستین به
فرمان خدا بر می‌گردد. (هاشمی، 81-82)

ویژگی‌های روح در عالم برزخ چیست؟

یکی از مباحث مهم معاد، بقای روح است که با استدلال به آن می‌توان معاد را اثبات نمود. روح می‌تواند بعد از مرگ جسم و متلاشی شدن آن به زندگی خود ادامه دهد، اما درباره اینکه چه ویژگی‌هایی دارد باید گفت اولاً: روح مجرد است، یعنی از خواص عمومی ماده (زمان، مکان و اجزا) مبرا است و این ویژگی‌ها را ندارد. البته روح در این دنیا همراه جسم است و ویژگی او، در عالم برزخ با دنیا تفاوتی ندارد. ثانیاً: روح کفار در عالم برزخ، گرفتار عذاب و روح مؤمن در نعمت است تا قیامت فرا رسد. ویژگی دیگر روح در عالم برزخ، آن است که با دنیا در ارتباط بوده و تا حدودی از حالات بستگان خود آگاه است. اگر بستگان، برایش دعا و طلب مغفرتی کنند، خوشحال می‌شود، همان گونه که افراد زنده با هدیه خوشحال می‌شوند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای مردم! مرده‌ها را زیارت کنید و به سراغ آن‌ها بروید و سلام بفرستید. سوگند به کسی که جانم در دست او است، مسلمانی تا روز قیامت بر آن‌ها سلام نمی‌فرستد، مگر این که سلام او را پاسخ می‌گویند. از این حدیث معلوم می‌شود روح در عالم برزخ، با این جهان در ارتباط است. (همانجا، 83)

اما بر اساس آیات قرآن و روایات اسلامی، بعد از زندگی دنیا و قبل از قیامت عالمی به نام «عالم برزخ» وجود دارد، که روح انسان بعد از مرگ تا بر پایی قیامت در آن جا زندگی می‌کند. از روایات اسلامی (کلینی، 235/3) استفاده می‌شود که انسان‌ها در برزخ به پنج گروه تقسیم می‌شوند: 1- افرادی که در درجه اعلای ایمان و کمال هستند. روح این افراد پس از مرگ و پاسخ به سؤالات نکیر و منکر در قالب مثالی قرار می‌گیرد و به بهشت برزخی وارد می‌شوند و در آن جا در محضر امیرالمؤمنین علی (ع) از انواع نعمت‌های الهی برخوردار می‌شوند، تا برپا شدن قیامت. 2- افرادی که مؤمن‌اند، ولی نه در درجه و کمال گروه قبلی. این افراد پس از سؤال و پاسخ در قبر، دری از بهشت (برزخی) به سوی قبر آنان باز می‌شود و قبر به مقدار چشم‌انداز، وسیع شده و باغی از باغ‌های بهشت می‌شود. این گروه در قبرشان متنعم به نعمت‌های پروردگارانند و همیشه دعایشان این است که خدایا قیامت را برپا نما و نعمت‌های بهشتی را که به ما وعده

برزخ در قرآن و روایات ----- ۱۶۷

داده‌ای عطا فرما. 3- مؤمنان گنهکار که مستحق عذابند. آن‌ها پس از ورود به قبر و سؤال نکیر و منکر و ناتوانی در پاسخ دادن، فرشتگان با عمودی که در دست دارند بر فریشان می‌کوبند و قبرشان پر از آتش می‌شود و دری از جهنم (برزخی) به سوی قبر آنان باز می‌شود و قبرشان تبدیل به چاهی از چاه‌های جهنم می‌گردد و این گروه در قبر معذبند تا وقتی که گناهانشان بخشوده شود. 4- کسانی که کافر محض هستند، اینان هم مانند مؤمنان گنهکار، در جهنم برزخی معذبند تا برپا شدن قیامت، با این تفاوت که عذاب کافر، عذاب عقیده و عمل است و کاهش دهنده عذاب قیامتش نیست، ولی عذاب مؤمن گنهکار، عذاب عمل است و باعث پاک شدن او می‌شود و جنبه اصلاح‌گرانه دارد. 5- گروهی که نه اهل ثوابند تا مستحق نعمت باشند، و نه اهل گناه تا مستحق عذاب گردند. این گروه روحشان (در قالب مثالی) به صورت بی‌هوش و یله و رها باقی می‌ماند تا برپا شدن قیامت. هنگام مرگ، روح انسان از بدن به‌طور کامل جدا می‌شود و به هنگام رستاخیز، خداوند متعال بار دیگر بدن و استخوان‌های پوسیده و خاک شده را حیات مجدد می‌دهد و روح، دوباره به آن بر می‌گردد. (هاشمی، 87-89)

انسان‌ها در عالم برزخ در چه سنی ظاهر می‌شوند؟

آیا به همان سن مردن است یا سن خاصی خواهند داشت؟ سن و سال مربوط به دنیا است که سرایی موقتی است و در آن جوانی، پیری و مرگ وجود دارد، اما در برزخ و نیز قیامت، سن و سال مطرح نیست، زیرا روح انسان بعد از پایان زندگی این جهان در اجساد لطیفی قرار می‌گیرد که از بسیاری از عوارض ماده مانند: (زمان و سن) بر کنار است و چون از هر نظر شبیه این جسم است، به آن «قالب مثالی» یا «بدن مثالی» می‌گویند که نه به کلی مجرد است و نه مادی، بلکه دارای نوعی «تجرد برزخی» است. موجود «مجرد» زمان و مکان ندارد و طبیعتاً سن بردار نیست. خداوند متعال در آیات 55 و 56 سوره الروم، درباره توقف در عالم برزخ می‌فرماید: «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ. وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكِنَّا كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» یعنی:

هنگامی که قیامت بر پا می‌شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که ما جز ساعتی درنگ نکردیم، آری آن‌ها این گونه در دنیا دروغ می‌گفتند، ولی آن‌ها که دارای علم و ایمانند به آنان می‌گویند: مدت توقف شما در کتاب الهی ثبت است و تا روز رستاخیز توقف کردید و هم اکنون رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید. (هاشمی، 97-98)

♦ **معاد جسمانی:** معاد در اسلام با دلیل‌های مختلف مانند: عقل، آیات قرآن، سنت پیامبر اکرم (ص) و اجماع ثابت گردیده است.

♦ **عقل:** بعد از آن که معلوم شد این جهان را خالق و صانعی است قادر و قاهر و حکیم، که جهانیان را به خواست و اراده خود آفریده و به تکالیفی وادار نموده و پیامبرانی را برای راهنمایی بشر فرستاده است و از طرفی انسان‌ها را در قبول دین و اطاعت و معصیت آزاد گذارده است، آیا عاقلی هست که آفریدگار جهان را بشناسد ولی خلقت جهانیان را بیهوده بداند؟ شخص با اندک تأمل در حساب اعمال جهانیان درک می‌کند که معاد موضوعی است حتمی و از جانب خدای عادل، وعده‌ای است تخلف ناپذیر.

♦ **قرآن:** آیات بسیاری بر اصل معاد دلالت می‌کنند. نه تنها قرآن مجید بلکه تمام کتاب‌های آسمانی از قبیل تورات و انجیل اصلی و زبور داود و صحف ابراهیم (ع) و مانند آن‌ها شامل بحث‌هایی از معاد می‌باشند.

♦ **سنت و اجماع:** در آثار پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام متجاوز از صدها حدیث صحیح، مبنی بر اثبات معاد رسیده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: قسم به پروردگاری که مرا به حق فرستاده، مرگ مانند خواب است، یعنی همچنانکه می‌خوابید، همانطور هم می‌میرید و زنده خواهید شد، همچنانکه بیدار می‌شوید، و پس از مرگ خانه‌ای نیست مگر بهشت یا دوزخ.

بعضی از فلاسفه خواسته‌اند معاد جسمانی را با برهان عقلی ثابت نمایند و شاید همین فکر باعث شده که هر کدام از آن‌ها طریقی انتخاب نموده و بعضی از مشائیین، به معاد روحانی و بعضی از اشراقیین به معاد جسمانی به صورت قالب مثالی قائل شده‌اند.

(علم‌الهدی، 15-26)

نتایج مقاله

در میان این جهان و سرای آخرت، جهان سومی به نام «برزخ» است که ارواح همه انسان‌ها پس از مرگ تا روز قیامت در آن قرار می‌گیرند. «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المومنون، 100)، یعنی: و پشت سر آن‌ها (پس از مرگ) برزخی است تا روز قیامت.»

البته از جزئیات آن جهان نیز آگاهی زیادی نداریم و نمی‌توانیم داشته باشیم، این قدر می‌دانیم که ارواح نیکان و صالحانی که در درجات بالا قرار دارند (مانند ارواح شهدا) در آن جهان، متنعم به نعمت‌های فراوانی هستند: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، 169)، یعنی: هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه آن‌ها زنده‌اند و در پیشگاه پروردگارشان متنعمند. و نیز ارواح ظالمان و طاغوتها و حامیان آن‌ها در آن جهان معذبند، همان گونه که قرآن درباره فرعون و آل فرعون می‌گوید: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر، 46)، یعنی: عذاب آن‌ها (در برزخ) آتش (دوزخ) است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، و روزی که قیامت بر پا شود (می‌فرماید) آل فرعون را داخل سخت‌ترین عذاب‌ها کنید.

ولی گروه سومی که گناهان کمتری دارند، نه جزء این دسته‌اند و نه جزء آن دسته، و مشمول هیچ کدام از عذاب و کیفر نیستند، گویی در جهان برزخ در حالتی شبیه به خواب فرو می‌روند و در رستاخیز بیدار می‌شوند! «و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعة... وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكِنَّا كُنَّا لَا تَعْلَمُونَ» (الروم، 55 و 56)، یعنی: و روزی که قیامت برپا شود، گنهکاران قسم یاد می‌کنند که جز ساعتی در عالم برزخ درنگ نکردند... اما کسانی که علم و ایمان به آن‌ها داده شده (خطاب به مجرمان) می‌گویند: شما به فرمان خدا تا روز قیامت (در عالم برزخ) قرار داشتید، و اکنون روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

کتابشناسی

- 1- قرآن کریم.
- 2- ابن اثیر، النہایۃ فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ طاهر احمد زاوی و محمود محمد طنطاوی، قاهرہ، 1383 هـ.ق.
- 3- ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، الدار الاسلامیہ، 1340 هـ.ق.
- 4- اسدی، علی محمد، حیات پس از مرگ تحقیقی در حیات برزخی، موسسه بوستان کتاب، قم، چاپ سیزدهم، 1387 هـ.ش.
- 5- به نژاد، عباس، مقاله برزخ در دائره المعارف جمع اسلامی، در سایت کتابخانه اینترنتی تبیان (www.tebyan.net).
- 6- پوریا، علی، مقاله چگونگی برزخ و ویژگی های آن، روزنامه کیهان، در سایت مرکز فرهنگ و معارف قرآن، 1386 هـ.ش.
- 7- حلی، ابوالقاسم (محقق)، المعتبر فی شرح المختصر، بوستان کتاب، قم، 1386 هـ.ش.
- 8- خراسانی، آخوند محمدکاظم بن حسین طوسی، درالفوائد فی شرح الفرائد، تهران، 1329 هـ.ش.
- 9- خرماهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، دوستان و ناهید، تهران، 1377 هـ.ش.
- 10- دیبا، حسین، برزخ عالمی میان مرگ و قیامت، دائره المعارف قرآن کریم، جلد پنجم، در سایت (www.maarefquran.com)
- 11- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفران عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، 1412 هـ.ق.
- 12- رحیم پور، فروغ السادات، معاد از دیدگاه امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر امام خمینی، تهران، 1382 هـ.ش.
- 13- سید رضی، ابوالحسین محمد بن الحسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر مشرقین، 1379 هـ.ش.
- 14- شریفی اشکوری، مرتضی، چگونگی زندگی در عالم برزخ، نوای دانش، قم، 1386 هـ.ش.
- 15- طارمی، حسن، مقاله برزخ، در سایت دانشنامه جهان اسلام. (www.encyclopaediaislamica.com)
- 16- طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1374 هـ.ش.

برزخ در قرآن و روایات ----- ۱۷۱

17- طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، انتشارات فراهانی، 1348 ه.ق.

18- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، 1375 ه.ش.

19- علم الهدی، علی، معاد وعدل یا مراحل نهائی بشر، موسسه مطبوعاتی افتخاریان، تهران.

20- عروسی هویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1415 ه.ق.

21- قاسمی، علی محمد، برزخ، پژوهشی قرآنی و روایی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، چاپ سوم، 1387 ه.ش.

22- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، موسسه دارالکتاب، قم، 1404 ه.ق.

23- کلهر، سمیه، معاد در قرآن و عهدین (عهد قدیم و جدید)، فصلنامه آینه معرفت، شماره 5، سایت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

24- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.

25- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، المکتبه الاسلامیه، تهران، 1397 ه.ق.

26- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران 1371 ه.ش.

27- مکارم شیرازی، ناصر، معاد و جهان پس از مرگ، پیروی، قم، 1396 ه.ق.

28- ناجی، حامد، برزخ در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی.

29- هاشمی، سید علی، پرسمان قرآنی معاد، موسسه بوستان کتاب قم، 1384 ه.ش.